

# کشورداری داریوش بزرگ

نوشته و اقتباس: فرهاد آبادانی

مقدمه

چیش‌پش - پدر چیش‌پش هخامنشی بود. هنوز داریوش خردساله بود که مادر ودایگان خود را درپارس ترك گفت و بدربار كورش رفت. دردربار شاهي با منسويين وعموزادگان خود كه از خاندان مستقيم پادشاهي بودند وهم‌چنين با نجيب‌زادگان و بزرگ زادگان ايراني آشنا شد و در ميان آنها ويا آنها دوره كودكي و آغاز جواني را گذرانيد. با همان بزرگ‌زادگان كمان داري و نيزه‌داري بياموخت. درانواع ورزش‌ها داريوش بزودي از هم سالان خود پيشي گرفت. بمواظبت تعليمات سربازي، بجوانان فرهنگ و دانش و تعليمات مذهبي نيز مي‌آموختند. در هنگام فرا گرفتن دانش و فرهنگ و ساير ورزش‌هاي لازم داريوش از خود نشان داد كه داراي قدرت فكري و روشن‌بيني عجيبی است. بواسطه همین استعداد در همان دوران، رهبري جوانان دربار بعهده داريوش سپرده شد. داريوش در روزگار جواني با ساير بزرگ‌زادگان دربار كورش بار آمد و آنچه درملی‌سالي‌های جواني و روزگار كودكي فرا گرفته بود ميتوان اينطور خلاصه نمود: قدرت، دليري، وفا، صميميت، دشمني با دروغ، رفاقت و وفاداري با رهبران آینده ملت و نيز شرف و افتخار نژادي كه او را با ساير بزرگ‌زادگان كشور بهم پیوسته بود.

پيش از آنكه بموضوع اصلي يعني «کشورداری داریوش بزرگ» بپردازيم - بايد خاطر خوانندگان محترم را باين نکته مهم متوجه نمايم كه از مدارك و آثار آنچه راجع بدوران هخامنشی در دست ماست بيشتر بقلم بيگانگان نوشته شده و طبيعي است كه اين نويسندگان در آثار و نوشته‌های خود خالي از غرض نمانند. از طرف ديگر مرزوبوم ايران، اين كشور كه ن سال ما آسيب و صدمه فراوان ديده است. روزهای سهمين فراوان، از قبيل تاخت‌وتاز اسكندر گجستك، دست يافتن تازيان و حمله مغول و تاخت‌وتاز اقوام ديگر برايران گذشته است و هيچ چيز از روزگار ان باستان، آن چنان كه بايد، بر جای نمانده است و يا اينكه رنگ و روي ديگر بخود گرفته است. اما خوشبختانه در مدت نيم قرن اخير و با كوشش باستانشناسان، گاه و بيگاه در ميان ويرانه‌ها، اسناد و آثاری از روزگار ان سرفرازي و عظمت ايران بدست مي‌آيد چنانكه با خواننده شدن كتيبه‌های هخامنشی بسياری از نكات تاريخي ايران هخامنشی روشن شده و آنچه كه تا چند ده سال پيش جزو افسانه و باور نكردي بوده بصورت حقيقت و واقع درآمد است. با عرض معذرت و ذكر مقدمه كه شايد طولاني هم شد اكنون بموضوع اصلي مي‌پردازم.

## شروع خدمت دولتی و پایان تعلیم و تربیت

هنگاميكه كورش بزرگ كبير عازم آخرين لشكر كشی خود بيشد ماساژتها (ماساكتها) بود، تربيت درباري داريوش نيز تقريباً با پايان يافته بود و ديگر چيزي نمانده بود كه وارد خدمت دولتي شود، در آن هنگام داريوش يا بن بيست سالگي ميگذاشت و مانند ساير نجيب‌زادگان مي‌بايست وارد در خدمت لشكري و سياسي شود. بدین ترتيب داريوش مشاغل لشكري و سياسي خود را با تاجگذاري كمبوجيه آغاز كرد. اينك ديگر داريوش در ردیف مردان بشمار است و از لحاظ ساختمان جسمي و روحي بهترين نمونه و نماينده آزاد سوار ايراني است. برتر ي داريوش

## تولد و کودکی داریوش

در زماني كه كورش بزرگ دولت جهاني خود را بنيانگري مي‌نمود و هر روز بر قلمرو فرمانروايي خويش مي‌افزود - يعني در سال ۵۵۰ ق. م - در خانه و يشتاسب پسر آرشام از بستگان خاندان هخامنشی، فرزندی از مادر بزاد كه او را داريوش نام نهادند. داريوش در كتيبه بيستون نسبتاً خود را اينطور شرح ميدهد: «منم داريوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمين پارس، شاه كشورها پور و يشتاسب - نوه آرشام هخامنشی» داريوش شاه گوید: «پدر من و يشتاسب، پدر و يشتاسب آرشام، پدر آرشام آريارمنا - پدر آريارمنا

در هنگام تعلیم و تربیت از همگنان خود وهم چنین اصل و نسب بلند او امکان پیشرفت‌های زیاد، در دولت کمبوجیه بوی داد. وقتی کمبوجیه بمصر میرفت داریوش نیزه‌دار شاه یعنی «آجودان مخصوص» پادشاه بود. در مصر داریوش تازگی‌ها را بدقت تمام میدید و به خاطر می‌سپرد، چه پیش از پادشاه، خود روشن بین و موثق بود.

اندیشه و توجه داریوش نسبت بسرنوشت دولت کوروش کبیر روز بروز بیشتر می‌شد. آنچه داریوش در مصر می‌اندیشید نمی‌توانست در تصور و تکامل و پیشرفت امور دولت کمبوجیه مؤثر باشد زیرا جوانی و مقام داریوش با اجازه نمیداد که در شخص پادشاه یعنی کمبوجیه زیاد مؤثر و منتفذ باشد.

از طرفی کمبوجیه بحرف بزرگان و مشاورین زیاد توجهی نداشت. داریوش سرنوشت دولت هخامنشی را میدید که بکجا می‌انجامد، اما نمی‌توانست در آن تغییری بدهد. هنگام مراجعت کمبوجیه از مصر، داریوش نیز بجانب ایران رهسپار گردید و در مرگ کمبوجیه حضور داشت. پس از مرگ کمبوجیه در میان آزاده سواران و سپاه ایران پراکندگی و بی‌نظمی بوجود آمد. داریوش نتوانست بزودی نابسامانی را سروسامانی دهد.

### بر تخت نشستن داریوش بزرگ

با از میان بردن بردیای دروغی، تخت شاهی باردیگر بخاندان هخامنشی برگشت. یاران داریوش او را بر تخت کوروش نشاندند. آرشام و ویشتاسب هر دو بنفع نوه و پسر خود داریوش از حقوق سلطنت چشم پوشیدند و او را فرمانروای خود شناختند.

پیداست که سایر بزرگان با سلطنت رسیدن داریوش متفق بودند، زیرا او برتری خود را قبلاً ثابت کرده بود. وانگهی کسی میبایست بر اورنگ پادشاهی تکیه زند که از خاندان شاهی باشد و داریوش بود. خودش در کتیبه یستون میگوید: «داریوش شاه گوید: هشت تن از خاندان من پیش از این شاه بوده اند و من نهمین هستم. ما پشت در پشت شاه بودیم».

بدین ترتیب در پاسارگاد، در پارس و برسی آرامگاه کوروش بزرگ، تاج سلطنت ایران بزرگ را بر سر نهاد و در جامه شهریاری ایران خود را در برابر پیکر کوروش متشکر ساخت و از غذای ساده دیرین پارس ها چشید تا پیوستگی ملی را نسبت بقوم خود به نحو بارزی نشان داده باشد. بدین گونه و در سال ۵۲۲ ق. م. داریوش شاهنشاه ایران بزرگ شد.

در همان اوقاتی که داریوش بزرگ پس از برگزاری مراسم تاجگذاری خود رهسپار پایتخت دولت هخامنشی - هگمتانه - می‌شد، در خوزستان و بابل شورشهایی برخاسته بود

و اهالی بسیاری از کشورهای تابعه با رسیدن خبر مرگ گئومات موقع فرصت را برای بدست آوردن آزادی غنیمت شمرند و در صدد بدست آوردن آزادی و تجدید دولت قدیم خود برآمدند. در اثنا این احوال داریوش شخصاً فرماندهی سپاه را برای خوابانیدن شورش و سرکوبی یغیان بعهده گرفت و نظم و آرامش و امنیتی خاص بکشورهای تابعه برگردانید. سرکوبی یغیان و برگرداندن نظم و آرامش مجدد در مملکت یکسال بطول انجامید. این کار بین سالهای ۵۲۱-۵۲۰ ق. م. بود. بقیه دوران فرمانروایی داریوش بزرگ برای برقراری تشکیلات جدید شاهنشاهی ایران صرف شد که بطور اختصار بعرض خواهد رسید.

### سازمان کشوری و دارائی

چنانکه گذشت داریوش بزرگ پس از برگرداندن نظم و آرامش در کشور و پس از وحدت کامل کشور، ممالک تابعه را با ملاحظات سیاسی ملی و موقعیت جغرافیایی به سی بخش قسمت کرد و از میان سرداران و بزرگان ایران، مردان کاردان و شایسته‌یی را بفرمانفرمایی هر بخش بزمیگماشت اینگونه فرمانروایان را «خشترپاون» یا شهریان میگفتند. پدر داریوش بزرگ، ویشتاسب هخامنشی، خود یکی از آن شهریان و فرمانروای سرزمین پارت (خراسان) بود. برای آنکه شهریان از حدود اختیارات خود بیش نجویند و به ستمکاری و آزار مردم نپردازند، با هر کدام از آنها مأموری فرستاده میشد که در ظاهر دبیر مخصوص شهریان بود، ولی در معنی کارهای او را بازرسی میکرد و اخبار و وقایع حسوزه فرمانفرمایی شهریان را بر سر گزارش میداد. این مقام حتی در ایران پس از اسلام هم برجای بود. داریوش در هر سال دوبار دوتن را از پایتخت برای بازرسی بهر یک از شهرها می‌فرستاد که این دوتنر بنام چشم و گوش شاه شناخته شده بودند.

### روش پرداخت مالیات

پیش از داریوش بزرگ پرداخت مالیات در ایران روش درستی نداشت و ملت‌های تابعه هر سال هدایایی بدربار شاهنشاه ایران می‌فرستادند. اما داریوش برای هر یک از ملت‌ها با ملاحظه ثروت و وسعت مملکت مالیات بوجه نقد معین کرد. او آتشدر نسبت به پرداخت مالیات تخفیف قائل شده بود که در این پاره پلوتارک مینویسد: «داریوش چون مقدار مالیات هر شهری را معین میکرد، در پی تحقیق بر می‌آمد که آیا مردم می‌توانند این مبلغ معین شده را بپردازند یا خیر؟ چون از هر کجا پاسخ موافق میرسید، باز هم پادشاه دستور میداد مالیات تعیین شده را



نصف کنند - چون سبب را پرسیدند - پادشاه جواب داد که شهربانان هم برای مصارف خود چیزی از مردم خواهند گرفت و باید از مالیات اخذ شده کاسته شود تا بر مردم تحمیلی نشده باشد.

## پست و چاپار

در هراتی، ساتراپها، مالیات را جمع آوری میکردند و سربازان پیاده و سوار را نگهداری مینمودند، تشکیلات وسیعی برای انجام این عمل لازم بود. مرکز این تشکیلات شهر شوش بود که تقریباً در قلب کشور قرار داشت. از شوش بنام کشورهای تابعه دستور صادر میشد و از تمام نقاط اطلاعات به شوش میرسید. برای اینکه شاهنشاه بتواند با تمام ادارات و ممالک تابعه بسهولت رابطه داشته باشد و اطلاعات را زود دریافت نماید، پیکهای سریعی ایجاد کرده بود که مورد تحسین یونانیها واقع شد. در نقاط معینی، در تمام جادههای بزرگ وسایل مخصوصی فراهم کرده بودند تا پیک شاهنشاهی یا چاپار بتواند بدون توقف بمقصد برسد. پیکها از میان اشخاص محترم برگزیده میشدند، چنانکه در تاریخ آمده است که داریوش سوم پیش از رسیدن بیانشاهی چندی چاپار مخصوص بود. در حقیقت هخامنشیها مخترع پست و چاپار بودند. این طریق را ابتدا مصریها و بعد رومیها از ایران اقتباس کردند - پس در تمام مغرب زمین در طول قرنهای متناهی معمول گردید.

## ایجاد راهها

برای اینکه اخبار کشور زودتر بمركز برسد و هم چنین روابط بازرگانی و اداری و سیاسی و لشکری میان مرکز و نواحی دوردست برقرار بماند، داریوش باختر راههای مختلف پرداخت. از آن جمله راه شاهی بود که از کلم کشورهای تابعه میگشت. هر دود مینویسد که طول این راه ۲۹۰۰ کیلومتر بوده و تمام وسایل آسایش و راحتی در طول راه برای مسافران آماده بوده است و حتی مینویسد که در هر چهار فرسنگ مهمانخانهای ساخته شده بود و همجا خوراک و آب و لوازم سفر مهیا بوده و این راه دراز را با وسایل آن زمان کاروانها در یکمیدویازده روز و مسافران پیاده، در مدت نود روز مییمودند. داریوش باختر راههای دریائی نیز همت گماشت چنانکه برای متصل کردن دریای مدیترانه بدریای احمر دستور بحفر کانال سوئز داد و این واقعه بر روی کتیبه بدست آمده و چنین نوشته شده است: «منم داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، پادشاه کشورهای که مسکن همه تژادهاست، شاه این سرزمین بزرگ، تا کشورهای دور دست، پسر و پستاسب

هخامنشی، داریوش شاه گوید: من پارسیام، از پارس مصر را گرفتم، امر کردم این کانال را بکنند، این کانال کنده شد چنانکه فرمان دادم، کشتیها روانه شدند، چنانکه اراده من بود» یک مورخ اروپائی در این خصوص میگوید: «واقعا باید نظر بلند و استقامت داریوش را در اجزای منویاتش تقدیر کرد»

## دادگستری

داریوش بر همه دادرسان کشور خویش سمت ریاست داشت و احکام نهائی از جانب شخص شاهنشاه صادر میشد. مجازات نسبت بگناه مجرم تغییر میکرد و شاهنشاه هخامنشی در برابر هیچ گناهی و در هیچگونه مجازاتی برای دفعه اول حکم اعدام گناهکاری را صادر نمی کرد.

چنانکه وقتی یکی از گناهکاران که سمت دولتی نیز داشت در دادگاهی محکوم باعدام شده بود ولی شاهنشاه حکم نهائی را لغو کرد و دستور داد از کشتن او صرفنظر شود و گفت این شخص پیش از این خدماتی هم انجام داده است. شاهنشاه ایران از گرفتن رشوه (بارک) سخت بیزار بود، چنانکه کمیوجیه نیز از این کار بسیار نفرت داشت و داستان قاضی ایکه رشوه گرفته بود و کمیوجیه امر کرد پوستش را کنده و بر روی تخت دادرسی انداختند و پسر همان قاضی را بجای وی بر تخت نشاندند مشهور است. کمیوجیه به پسر قاضی که جانشین پدر شده بود خطاب کرد و گفت: «هرگاه میخواهی بیدادگمی و از مردم رشوه بستانی بروست پدرت نگاه کن و عاقبت شوم این کار زشت را در نظر گیر.»

در خصوص دادگستری و رعایت کامل حقوق ضعیف و قوی و پاداش نیکو کاران و کیفر بدکاران، شاهنشاه داریوش خود چنین گوید: «نه من و نه دوستانم دروغ گویی انصاف و بدقلب نبودیم، من برابر حق و عدالت رفتار کردم، نه ناتوان و نه توانا را نیازمدم، نیکوکار را نیک نواختم و بدکار را سخت کیفر دادم» داریوش نخستین شاهنشاهی است که یک قانون کامل مدنی تدوین کرد و برای ملت های تابعه به تناسب احوال و اوضاع کشور وضع نمود. معتقدان مذهبی کشورهای تابعه را با دیده احترام مینگریست، چنانکه داستان رفتن او بمعابد مصریها و جایزه ای که برای یافتن «گاو آپیس» تعیین نموده در تاریخ مشهور است.

## سازمان لشکری

در زمان داریوش بزرگ سازمان لشکری نیز بصورت بهتر و آبرومندی درآمد و بآن نظم و ترتیب صحیح داده شد. دسته های سپاهی از ده هزار سرباز زبده و امیل ایرانی درست کرد که از عده آنها هیچ وقت کاسته نمیشد و آنان را

سیاه جاویدان می‌گفتند. این سیاه همیشه آماده بخدمت بود و افراد آن همگی جنگ‌آزموده و دلیر و درتیراندازی و سواری سرآمد دیگران بودند. هم چنین در پایتخت هریک از کشورهای تابع پادگانهائی برای حفظ امنیت گذاشته بود.

### بازرگانی و کشاورزی

با ساختن راهها، در زمان شاهنشاهی داریوش بزرگ، بازرگانی نیز ترقی فوق‌العاده کرد. هر شهریان و یا ساتراپی که شهر را آبادتر نگاهداری مینمود، داریوش بر وسعت فرمانروائی او میافزود. و بعکس اگر مشاهده مینمود که استانی کم جمعیت و بی‌حاصل است معلوم می‌شد که این وضع از شتمکاری و سهل‌انگاری شهریان پدید آمده است و معلوم است که آن شهریان را سختی مجازات میکرد یکی از کارهای شایان توجه شاهنشاه ایران که در امر تجارت بسیار موثر بود، رواج سکه است. پیش از داریوش بزرگ، در ایران باستان معامله با جنس انجام میگرفت. حتی حق‌الزحمه پزشکان نیز با جنس پرداخت می‌شد. داریوش برای آنکه کار معامله و دادوستد را تسهیل‌تر کرده باشد با اهمیت مسکوک پی برده بود و دستور داد از طلا و نقره سکه هائی ساختند و پول را در کشورهای تابعه رواج داد. تنها پیش از داریوش بزرگ لیدیا بودند که با اهمیت مسکوک واقف بودند و در حدود قرن هفتم پیش از میلاد سکه زده بودند، اما سکه آنها در تمام ممالک رائج نبود.

### دانش و فرهنگ

گرچه از ادبیات و علوم روزگار داریوش بزرگ اثر گویائی نمانده است، اما همین مقدار کتیبه‌ها و قرائنی که در دست است میرساند که داریوش بفرهنگ و دانش و هنر توجهی خاص داشته است. چنانکه بر روی مجسمه یکی از حکمرانان دست نشاندۀ داریوش بزرگ اینطور خوانده میشود: «پادشاه مصر و دیگر کشورها داریوش بزرگ، بمن امر کرد که بمصر روم مقصود این بود که معا بمصر که ویران شده بود بازم. . . . . مؤسسات کتاب بدیم. . . . . و جوانان را برای تعلیم و تربیت باشخاص کارآزموده سیردم و برای آنان چیزهای مفید و آلات و ادوات موافق کتاب‌های ایشان فراهم ساختم. چنین بود اقدام اعلیحضرت چه او فایده علم پزشکی میدانست و میخواست جان بیماران را از بیماریها رهائی بخشد».

پرواضح است شاهنشاهی که برای کشور تحت‌الحمایه چنین اوامری صادر فرماید بی‌شک برای کشور خودش اقدامی بیشتر و بهتر کرده است.

در زمان داریوش علمای یونانی در خدمت شاهنشاه ایران درشوش بسر میبردند یکی از این دانشمندان سکیلاکس Skylax جغرافی‌دان معروف بوده که در تاریخ ۵۱۹ ق. م. داریوش او را مأمور کرد تا جریان سفالی رود سند را با کشتی به پیماید. حضور اطباء خارجی چه در زمان داریوش بزرگ و چه بعد از آن در دربار پادشاهان هخامنشی برای ما مسلم است. اولین و معروفترین آنها جسراج قابلی از اهل کروتون و دموسیس نام دارد که بدربار داریوش دعوت شد. در آن هنگام اطباء رسمی داریوش مصری بودند و چون روزی یکی از استخوانهای شاهنشاه ایران در رفتگی پیدا کرد و اطباء مصری از معالجه عاجز ماندند، مورد غضب قرار گرفتند. در این هنگام دموسیس که در دربار یونانی پادشاه را معالجه کرد، از آن پس داریوش آبی او را از خود جدا نکرد. هر چند او اندیشه‌ای جز بازگشت بوطن نداشت و حتی موفقیتش در معالجه شاهنشاه سبب اسارت بی‌سرانجام او گردید، ولی موفقیت دیگری او را بوطن بازگردانید. بدین شرح که روزی ملکه اتوسا بمرض سختی دچار شد و طیبیب یونانی او را معالجه نمود و در مقابل از او تقاضا کرد که از شاهنشاه خواهش کند تا اجازه دهد بکشور خود برگردد. داریوش این تقاضا را پذیرفت و دموسیس در ضمن مسافرت همراهانش را اغفال کرد و خود را به کروتون رسانیده و علم طب را در آن شهر رواج داد.

این اطلاعات را طیبیب دیگر یونانی کتزیاس Ctésias که در دربار هخامنشی طبابت میکرد برای ما نقل کرده و کتابی که وی راجع باوضاع ایران نوشته بسیار قابل توجه بوده اما حیف که قسمت مهم آن مفقود شده و بدست ما نرسیده است. اگرچه، بعلم نبودن مدارک، ما نمی‌توانیم سهم ایرانیان را در علوم زمان هخامنشی معین کنیم، ولی لااقل می‌توانیم بگوئیم که ایران در تاریخ علوم سهم بسیار مهمی در پیشرفت علوم دردنیای قدیم داشته است.

### رفتار داریوش نسبت به پیروان سایر مذاهب

رفتار کوروش کبیر نسبت بقوم یهود در تاریخ مشهور است. عملاً کوروش کبیر در سال تسخیر بابل (۵۳۹ ق. م.) دستوری صادر کرد که یهودیان به بیت‌المقدس برگردند و معبد خود را از نو بسازند. باین ترتیب کاروانهای تبعیدشدگان به مملکت خود برگشته و تحت نظارت ساتراپ ماورا، قرات، کشور یهود تدریجاً احیا، گردید. معهداً مشکلات از هر طرف برخاست. در سال ۵۲۲ ق. م. در ابتدای سلطنت داریوش اول (بزرگ)، معبد یهودیها هنوز تمام نشده بود، داریوش بزرگ اجازه ساختمان معبد را که کوروش کبیر داده بود مجدداً



تأیید کرد و در سال ۵۱۵ ق. م. یهودیها رسماً معبد خود را افتتاح کردند.

نه تنها داریوش با قوم یهود چنین معامله نمود، بلکه همانطور که عرض کردم در مصر نیز برای یافتن «گاو آپیس» مبلغ یکصد تالان (۲۰۰ هزار تومان بپول امروز) جایزه معلوم کرده بود و نیز از معابد مصریان دیدن کرد و یخدایان آنها احترام نمود. نه تنها داریوش خود به معتقدات و آئین ممالک تابعه با دیده احترام مینگرست بلکه سرداران و ساتراپ‌های او نیز موظف بودند که معتقدات کشورها را مقدس و محترم بدارند. حتی این سیاست صحیح را پس از بیستقرن امپراطوری انگلیس در هندوستان بمورد اجرا گذاشت و فایده زیاد از آن بدست آورد.

### پایان کار

داریوش بزرگ، هنگامیکه مقدمات کار را برای عزیمت به یونان فراهم مینمود در همین هنگام نیز، بر طبق رسوم کهن، جانشین خود را تعیین نمود. خشایارشا پسر ارشد وی که بزرگترین فرزند ملکه اتوسا دختر کوروش کبیر بود بجانشینی انتخاب شد. در آستانه نبرد با ملت بزرگ یونان و در هنگامی که آماده لشکرکشی مجدد بمصر بود یعنی در بائین ۴۸۶ ق. م ناگهان دست اجل، شاهنشاه بزرگ را از ملت وی ربود، بدین ترتیب داریوش پس از ۷۴ سال زندگي و ۳۶ سال سلطنت (۵۲۲ - ۴۸۶ ق. م.) چشم از جهان پوشید. آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم و در چهار کیلومتری تخت جمشید واقع است.

### خصال داریوش

داریوش بزرگ پادشاهی بود عاقل و با اراده و دانا - رفتارش با ملت تابعه ملایم و معتدل بود. در انتخاب حکام و شهردارها نظر مسائب داشت و کمتر در دادن پاداش و ماجرات بخصا میرفت. داریوش بزرگ، سلطنت ایران را از نو بنیاد نهاد و اگر پس از مرگ کمیوجه او به تخت سلطنت ننشسته بود، بطور مسلم در آن غائله خطرناک، دولت هخامنشی نیز مانند دولت ماد در همانجا پایان می‌پذیرفت.

داریوش بزرگ، چنان پایه‌و اساسی برای تشکیل شاهنشاهی خود استوار نمود که در آثرمان و در آن محیط بهتر از آن عملی نبود. تشکیلاتی که داریوش بنیانگزاری کرده بود، دولت وسیع هخامنشی را با وجود بی‌لیاقتی اکثر پادشاهان بعد از داریوش، تقریباً دوست سال پیداشت. در زمان داریوش

بزرگ، دولت ایران با علی‌درجه‌وسعت خود رسید. دانشمندان داریوش را یکی از بزرگترین پادشاهان ایران دانسته و او را با عنوان واقعی «شاه بزرگ» خواندند.

تألیف کیه<sup>۱</sup> دانشمند آلمانی که خودش صراحتاً میگوید از ایرانیان خوش نیامد، راجع بداریوش بزرگ این چنین نوشته است: «داریوش مهترین پادشاه هخامنشی و بیشك در میان پادشاهان ملی ایران از همه آنها نمایان‌تر است. فقط خسرو اول ساسانی (انوشیروان) و شاه عباس کبیر صفوی را میتوان با او مقایسه کرد.» یکی از مورخین جدید اروپائی او را با فراعنه نامی مصر و پادشاهان بزرگ آشور و پادشاهان بابل مقایسه کرده و باین نتیجه رسیده که داریوش بزرگ بزرگترین پادشاه مشرق بوده است.

این بود خلاصه بسیار مختصر از سیمای شاهنشاهی که مدت ۳۶ سال با قدرت توأم با عدل و انصاف فرمانروائی کرده است.

### «پایان»

کسی که در نوشتن این مقاله از آنها استفاده شده

- ۱ - ایران باستان سه جلد - تألیف مرحوم پیرنیا
- ۲ - داریوش یکم - تألیف دکتر د. منشی‌زاده
- ۳ - تاریخ هردوت - ترجمه بانگلیسی
- ۴ - تاریخ ایران - تألیف سریرسی سایکس
- ۵ - تاریخ شاهنشاهی ایران - ترجمه‌ی دکتر محمدمقدم
- ۶ - ایران از آغاز تا اسلام - ترجمه دکتر محمد معین
- ۷ - میراث ایران - بقلم عده‌ای خاورشناس
- ۸ - ایران باستانی - تألیف مرحوم پیرنیا
- ۹ - کارنامه ایران باستان - تألیف عباس مه‌رین
- ۱۰ - کتیبه‌ی داریوش بزرگ - ترجمه دکتر فرهادآبادانی
- ۱۱ - آئین تاجگذاری - دکتر ذبیح‌الله صفا
- ۱۲ - از کوروش تا پهلوی
- ۱۳ - تاجگذاری شاهنشاهان ایران
- ۱۴ - تاریخ تمدن هخامنشی جلد ۱ و ۲ - تألیف علی‌سامی
- ۱۵ - تمدن ایرانی - ترجمه دکتر بهمنام
- ۱۶ - سیر تمدن و تربیت در ایران باستان - تألیف دکتر بیژن
- ۱۷ - تاریخ یونان جلد ۱ و ۲ - ترجمه دکتر بهمنش
- ۱۸ - تاریخ مصر جلد ۱ و ۲ - ترجمه دکتر بهمنش
- ۱۹ - مژده پرستی در ایران قدیم - ترجمه دکتر ذبیح‌الله صفا
- ۲۰ - اخلاق ایران باستان - تألیف دیشاه ایرانی
- ۲۱ - هگمتانه - تألیف سیدمحمدتقی مصطفوی